

پویندگان

پویندگان تجارب تاریخی - طبعاتی - جهانی کارگران

بخش کمونیستی در تورین



International Gramsci Journal

Volume 2
Issue 2 Gramsci on factory councils / Gramsci in
today's world

Article 5

2017

The Turin Communist Movement

Antonio Gramsci

Follow this and additional works at: <http://ro.uow.edu.au/gramsci>

Recommended Citation
Gramsci, Antonio, The Turin Communist Movement, *International Gramsci Journal*, 2(2), 2017,
40-51.
Available at <http://ro.uow.edu.au/gramsci/vol2/iss2/5>

Research Online is the open access institutional repository for the University of Wollongong. For further information contact the UOW Library
research@uowollongong.edu.au

جنبش کمونیستی تورین

چکیده

جنبش کمونیستی در تورین

یادداشت مترجم

تفاوت‌های میان دو متن ایتالیایی گرامشی درباره جنبش تورین در مقدمه فلاویو سیلوسترینی بررسی شده است؛ بااین‌حال، ذکر چند نکته کلی در اینجا ضروری است. سردرگمی قابل‌توجهی درباره ماهیت دو نسخه‌ای که این مقاله در قالب آن‌ها منتشر شده، به‌وجود آمده است: یکی با عنوان «جنبش کمونیستی در تورین» (منتشرشده به چندین زبان- به سرمقاله فوق رجوع کنید- در مجله *انترناسیونال کمونیست*، نوامبر ۱۹۲۰) و دیگری با عنوان «جنبش شوراهای کارگری تورین» (*ل‌وردینو نووو*، ۱۴ مارس ۱۹۲۱). بسیاری از نویسندگان فرض یا ادعا کرده‌اند که این دو مقاله درواقع یکسان‌اند. این دیدگاه حتی درباره نسخه انگلیسی موجود در اینترنت نیز مطرح شده است؛ نسخه‌ای که حدود یک‌چهارم متن گرامشی را حذف کرده است. بااین‌حال، میان این دو مقاله تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. به نظر می‌رسد رونوشت دست‌نویس، نسخه تایپ‌شده (که گرامشی آن را به‌طور دستی اصلاح کرده بود) و نسخه بازنویسی‌شده، همگی به مسکو ارسال شده باشند. ازاین‌رو، توضیحات مقدماتی (که در اینجا در ابتدای مقاله بازتولید شده‌اند) در نسخه بعدی بیان می‌کنند که مقاله منتشرشده بر اساس ترجمه‌ای مجدد از نسخه آلمانی متن اصلی است. بخشی از تفاوت‌های میان دو نسخه بدین‌ترتیب توضیح داده می‌شوند، در حالی که سایر موارد را فلاویو سیلوسترینی بررسی کرده است.

علاوه بر این، و شاید برای راحت‌تر کردن کار مترجمان مسکو، ساده‌سازی‌هایی در نسخه «انترناسیونال کمونیست» مشاهده می‌شود. برای مثال، در این نسخه بیشتر از اصطلاح «اوپرای» (کارگران صنعتی) به‌عنوان اسم یا صفت، در مقایسه با «لاوراتوری» (کارگران یا مردم کارگر) که معنایی گسترده‌تر دارد؛ استفاده شده است. درحالی‌که نسخه بعدی میان این دو اصطلاح تمایز روشنی قائل شده است. همچنین، در نسخه بعدی به جزئیات مربوط به اتحادیه تعاونی تورین — که در نسخه انگلیسی اینترنتی حذف شده — پرداخته می‌شود، اما در نسخه «انترناسیونال کمونیست» این موضوع برای خوانندگان بین‌المللی به‌صورت خلاصه‌تر مطرح شده است.

در ترجمه حاضر، برای برخی اصطلاحات معادل‌های نزدیک در بستر بریتانیا به‌کار رفته است. به همین دلیل، «Trades Council» برای «Camera del Lavoro» برگزیده شده است «Sindacati». «professional» به «Trade Unions» ترجمه شده، در حالی که «sindacati» بدون قید اضافی، تنها «unions» آمده است. همچنین، «delegati» کارگران که در یک کارخانه انتخاب می‌شوند، به‌صورت «stewards» یا «shop stewards» ترجمه شده است.

در پایان دست‌نوشته آماده‌شده برای مجله کمینترن، نام گرامشی به خط سیریلیک توسط شخص دیگری افزوده شده و سپس «Gramchi» درج شده است؛ دقیقاً همان‌گونه که این نام در پایان ترجمه چاپ‌شده در شماره ۱۴ مجله *L'Internationale Communiste* آمده بود. سال‌ها بعد، زمانی که این مقاله تقریباً از یادها رفته بود، در پایان نسخه اصلی تایپ‌شده — که اصلاحات پراکنده‌ای به خط گرامشی داشت — فرد دیگری نام «آنتونیو گرامشی» را افزود و یادداشتی به زبان ایتالیایی نوشت: «تکمیلی: دست‌نوشته آنتونیو شامل ۱۵ صفحه است، بدون خط‌خوردگی (جز صفحات ۱۳ و ۱۴). فاقد تاریخ و امضا. تاریخ تقریبی: تابستان یا پاییز ۱۹۲۰. پرونده اسناد بدون تاریخ. حتی ممکن است یک گزارش باشد. با احترام.»

شخصی که این توضیحات را به نسخه تایپ‌شده افزوده، در پایان با نام «تو» (Tu) امضا کرده است. بررسی تطبیقی با اسناد دیگر — از جمله نمونه‌های دستخط موجود در پرونده‌های ۴۹۵-۱۰-187۰a و ۱۸۸ در بنیاد مؤسسه گرامشی — با اطمینان نسبتاً بالایی نشان می‌دهد که این فرد ریگولتو مارتینی بوده است؛ کسی که بیشتر با نام مستعار «توتی» (Tutti) «یا گاه «توتی» (Tuti) شناخته می‌شد. او پس از بازگشت از جنگ داخلی اسپانیا به مسکو، مأمور سازماندهی مجدد حزب کمونیست ایتالیا (PCI) شد، اما به دست فاشیست‌ها دستگیر گردید و در زندان، درحالی‌که فقط ۳۴ سال داشت، جان باخت. ترکیب سن مارتینی، نام مستعار کوتاه‌شده او در امضا، و تطابق دستخط، همگی نشان می‌دهد که او نویسنده این یادداشت تکمیلی بوده است.

علاوه بر خط‌خوردگی‌هایی که مارتینی به آن‌ها اشاره کرده، گرامشی گاهی در انتخاب عبارت بهتر دچار تردید می‌شد و واژه‌ها یا حروف ابتدایی را حذف و سپس بازنویسی می‌کرد. در ترجمه حاضر، این موارد — در جایی که معنای آن‌ها قابل تشخیص بوده — با خط‌زدگی و زیرخط‌دار نشان داده شده‌اند (برای نمونه، *had been*: افزوده‌های بعدی که اغلب بالای خط نوشته شده‌اند، با رنگ آبی مشخص شده‌اند (برای نمونه *at the*: *time*). توضیحات مترجم نیز درون کروشه [...] آورده شده‌اند.

یک جزوه منتشرشده در سال ۱۹۷۰ با عنوان «تورین ۱۹۲۰: شوراهای کارخانه و اعتصاب عمومی» (Moulinavent Press) — که به نظر می‌رسد تنها نشر این ناشر باشد (ترجمه‌ای انگلیسی از مقاله «Ordine Nuovo» (۱۹۲۱) را دربردارد. بااین‌حال، جست‌وجوهای دقیق در منابع کتابخانه‌ای نتوانسته‌اند نسخ انگلیسی مقاله «کمینترن» را بیابند. با سپاس از آرشیو کمینترن — که نسخه اصلی دست‌نوشته گرامشی در آن نگهداری می‌شود (مکان: ۸۱-۱-۵۱۹، صفحات ۱ تا ۱۵) — در اینجا ترجمه‌ای تازه از نسخه دست‌نوشته اصلی ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

تورین، اعتصابات، ۱۹۱۷، شوراهای کارخانه، جنبش کمونیستی

جنبش کمونیستی تورین آنتونیو گرامشی

یکی از اعضای هیئت ایتالیایی که اخیراً از روسیه شوروی بازگشته بود، به کارگران تورین خبر داد که سکویی که در کرونشتات برای استقبال از این هیئت برپا شده بود، با بنری آذین یافته بود که بر روی آن نوشته شده بود: «زنده باد اعتصاب عمومی آوریل ۱۹۲۰ تورین!»

کارگران از این خبر را با شادی و رضایت فراوان استقبال کردند. نمایندگان اصلی هیئت اعزامی به روسیه، نسبت به اعتصاب عمومی آوریل برخوردی خصمانه داشتند [had been خط خورده]؛ آنان تلاش‌های قهرمانانه کارگران تورین را به سخره گرفته بودند و نوشته بودند که کارگران در آن اعتصاب، فاقد آگاهی سیاسی روشن بوده و صرفاً از یک «توهم باطل» پیروی کرده‌اند. از همین رو، کارگران با خرسندی خبر آنچه در کرونشتات رخ داده بود را شنیدند و گفتند: «رفقای کمونیست روس حرکت آوریل را بهتر از فرصت‌طلبان ایتالیایی فهمیده و درباره‌اش داوری کرده‌اند. رفقای کمونیست روس با این کار، درسی تاریخی و به‌جا به فرصت‌طلبان ایتالیایی دادند.»

جنبش آوریل تورین در حقیقت یک رویداد بزرگ [historical خط خورده]؛ نه تنها در تاریخ طبقه کارگر ایتالیا، بلکه در تاریخ پرولتاریای اروپا و جهان بود. برای نخستین بار دیده شد که پرولتاریا، [into the خط خورده] بدون آنکه تحت فشار بیکاری و گرسنگی باشد، مبارزه برای کنترل تولید را آغاز کرد. و این تنها ابتکار اقلیتی پیشرو از طبقه کارگر محلی نبود؛ تمام توده‌های زحمتکش تورین متحدانه وارد این نبرد شدند و با استقامت و بدون عقب‌نشینی، سخت‌ترین محرومیت‌ها و بزرگ‌ترین فداکاری‌ها را بر خود هموار کردند. اعتصاب کارگران مهندسی یک ماه ادامه یافت و برای کل توده‌های کارگر، ده روز به طول انجامید؛ چراکه [قبل از اعتصاب عمومی کلمه as خط خورده] اعتصاب عمومی ده‌روزه، تمام منطقه پیمونت — یعنی حدود نیم میلیون کارگر صنعتی و کشاورز، معادل تقریباً چهار میلیون نفر جمعیت را دربرگرفت. تمام طبقه سرمایه‌دار ایتالیا برای سرکوب کارگران تورین بسیج شد؛ همه نیروهای دولت بورژوازی در خدمت سرمایه‌داران قرار گرفت. در مقابل، کارگران، بدون هیچ‌گونه حمایت از سوی حزب سوسیالیست و کنفدراسیون اتحادیه‌ها، تنها بودند. برعکس، رهبران اتحادیه‌ها و حزب، کارگران را مورد تمسخر و افترا قرار دادند و هر کاری کردند تا جنبش‌های

همبستگی را خاموش کنند — جنبش‌هایی که کارگران و کشاورزان سراسر ایتالیا می‌خواستند (و در برخی مناطق حتی به‌طور عملی نیز کوشیدند) برای یاری به برادران خود در تورین شکل دهند. اما کارگران روحیه خود را نباختند؛ آنان تمام بار سنگین واکنش سرمایه‌دارانه را بر دوش کشیدند و حتی پس از شکست، از پای نشستند و همچنان به پرچم کمونیسم و انقلاب جهانی وفادار ماندند. تبلیغات آنارشیست‌ها و سندیکالیست‌ها علیه انضباط در برابر حزب سیاسی طبقه کارگر و علیه دیکتاتوری پرولتاریا — حتی پس از خیانت رهبران که به شکست انجامید — بی‌اثر ماند. کارگران تورین تنها با خود عهد بستند که مبارزه انقلابی را در دو جبهه تشدید کنند: علیه بورژوازی استثمارگر و علیه رهبران فرصت‌طلب و خائن.

این قدرت آگاهی و انضباط انقلابی در میان توده‌های پرولتاریای تورین، تبیینی تاریخی در شرایط اقتصادی و سیاسی دارد که مبارزه طبقاتی در آن جریان دارد. تورین شهری است که [in where is خط خورده] تقریباً به‌طور کامل به تولید صنعتی اختصاص یافته است. جمعیت آن، که حدود ۵۰۰ هزار نفر است، عمدتاً از طبقه کارگر تشکیل می‌شود؛ سه‌چهارم [thus constituted by 350,000 خط خورده] کل ساکنان را کارگران تشکیل می‌دهند. جز اقلیتی ناچیز، خرده‌بورژوازی در آن وجود ندارد. در کنار کارگران صنعتی [the intellect خط خورده]، توده بزرگی از کارمندان و کارکنان فنی نیز حضور دارند؛ اما اینان نیز در کارخانه‌های بزرگ مشغول کارند، در اتحادیه‌های بزرگ وابسته به شورای اصناف سازمان یافته‌اند، در اعتصاب‌های مهم همراه با کارگران صنعتی شرکت کرده‌اند و اکثریت آنان روحیه‌ای کارگری و پرولتری یافته‌اند؛ روحیه کسانی که برای انقلاب و کمونیسم در برابر سرمایه می‌جنگند. دستگاه تولید در تورین به‌شدت متمرکز و یکپارچه است. صنعت مهندسی، با ۵۰ هزار کارگر و ۱۰ هزار کارمند و تکنسین، بر کل عرصه صنعتی سلطه دارد. در این صنعت، یک شرکت واحد یعنی فیات، ۳۵ هزار نفر را به کار گرفته است که از این میان، کارخانه اصلی آن به‌تنهایی ۱۶ هزار کارگر و کارمند را در خود جای داده است. این کارخانه حول مدرن‌ترین شیوه‌های خودکار تولید متمرکز شده است. تولید مهندسی در تورین تقریباً به‌طور کامل به صنعت خودرو اختصاص دارد. اکثریت کارگران، ماهر و متخصص‌اند، اما برخلاف کارگران ماهر انگلستان، هیچ‌گونه گرایش خرده‌بورژوازی ندارند. صنعت خودرو نه‌تنها بر مهندسی، بلکه بر صنایع دیگر همچون چوب و لاستیک نیز سلطه یافته است. کارگران مهندسی، پیش‌تاز پرولتاریای تورین‌اند. به دلیل همین ساختار یکپارچه صنعتی، هر جنبشی در تورین به‌سرعت به جنبشی توده‌ای بدل می‌شود و حتی اگر آغاز آن صنفی باشد، خیلی زود ماهیتی سیاسی و انقلابی پیدا می‌کند.

در تورین یک سازمان بزرگ اتحادیه‌ای وجود دارد: شورای اصناف با ۹۰ هزار عضو. آنارشیست‌ها و سندیکالیست‌ها تنها گروه‌های کوچک و بی‌اثرند. توده‌ها تنها توسط بخش حزب سوسیالیست هدایت می‌شوند

که در آن، کمونیست‌ها سلطه مطلق دارند. جنبش سازمان‌یافته کمونیستی، نهادهای مبارزاتی متعددی را در اختیار دارد: بخشی از حزب با حدود ۱۵۰۰ عضو، ۲۸ حلقه محلی شهری با نزدیک به ۱۰ هزار عضو و ۲۸ شاخه جوانان سوسیالیست با حدود ۴ هزار عضو^۱ در هر کارخانه یک گروه کمونیستی با کمیته رهبری ویژه وجود دارد. این گروه‌ها در حلقه‌های منطقه‌ای متمرکز شده و در نهایت همگی به بخش حزب و کمیته اجرایی آن متصل می‌شوند؛ نهادی که رهبری کل جنبش سازمان‌یافته کمونیستی شهر را در دست دارد و بر توده زحمت‌کشان نفوذ کامل یافته است.

پیش از انقلاب بورژوازی و تشکیل دولت واحد بورژوازی ایتالیا، تورین پایتخت دولت نیمه‌فئودالی کوچک پیمونت، لیگوریا و ساردینیا بود. در آن زمان، فعالیت‌های اصلی شهر را صنایع کوچک، تولیدات دستی و تجارت تشکیل می‌داد. پس از تأسیس دولت واحد، پایتخت به رم منتقل شد و به نظر می‌رسید تورین به تدریج رو به افول رود؛ اما این شهر [was able خط خورده] بر بحران غلبه کند، در طی پنجاه سال جمعیت خود را دو برابر سازد و به بزرگ‌ترین شهر صنعتی ایتالیا بدل شود. می‌توان گفت ایتالیا سه پایتخت دارد: پایتخت سیاسی در رم، جایی که تمام رشته‌های اداره دولت بورژوازی به هم پیوند می‌خورند؛ پایتخت مالی و تجاری در میلان، محل [there are centr خط خورده] بزرگ‌ترین مؤسسات بانکی؛ و پایتخت صنعتی در تورین، جایی که [they have خط خورده] نظام کارخانه‌ای بیشترین رشد خود را یافته است.

[Since خط خورده] انتقال پایتخت، لایه‌های خرده‌بورژوازی و بورژوازی متوسط روشنفکر را که در دستگاه دولت بورژوازی جدید به کار گرفته شدند، از تورین خارج کرد. در عوض، ظهور و گسترش صنعت بزرگ، پیشروترین بخش طبقه کارگر ایتالیا را به تورین کشاند. [Thus it came about that historically Turin represents a خط خورده] روند شکل‌گیری این شهر از دیدگاه تاریخ ایتالیا و انقلاب پرولتاریایی یکی از نمونه‌های جالب و آموزنده است. به این ترتیب، پرولتاریای تورین خود را در رأس دستگاهی از رهبری «معنوی» توده‌های کارگر ایتالیا یافت؛ توده‌هایی که با تورین از طریق پیوندهای خانوادگی، سنت‌های تاریخی و حتی آمال شخصی (زیرا هر کارگر ایتالیایی می‌خواهد [immigratio خط خورده] به تورین برود و در آنجا کار کند) پیوند دارند. این واقعیت توضیح می‌دهد که چرا [often خط خورده] توده‌های کارگر در سراسر ایتالیا، حتی بر خلاف خواست رهبران، خواهان اعلام همبستگی با اعتصاب عمومی شدند: آنان در تورین، پایتخت انقلاب کمونیستی را می‌دیدند؛ آنان در تورین، پتروگرااد انقلاب پرولتاریایی ایتالیا را می‌یافتند.

^۱ این مورد هم با دست‌نوشته و هم با رونوشت تایپ‌شده‌ای که در همان زمان تهیه و توسط گرامشی به صورت دستی تصحیح شده است، مطابقت دارد؛ ترجمه‌های فرانسوی، آلمانی و روسی عدد ۲۰۰۰ (دو هزار) را — و نه ۴۰۰۰ (چهار هزار) — برای شمار جوانان سوسیالیست ذکر کرده‌اند، که پس از آن، نسخه بازترجمه‌شده Ordine Nuovo (۱۴ مارس ۱۹۲۱) نیز همین عدد را تأیید می‌کند.

در جریان جنگ امپریالیستی ۱۹۱۸-۱۹۱۴، دو قیام مسلحانه در تورین روی داد. نخستین قیام در ماه مه ۱۹۱۵ و در مخالفت با ورود ایتالیا به جنگ شکل گرفت. در این رخداد، «Casa del Popolo» (خانه مردم)^۲ به طور کامل به دست پلیس ویران شد. دومین قیام در اوت ۱۹۱۷ به وقوع پیوست و به مبارزه مسلحانه انقلابی شدید بدل گشت. انقلاب مارس روسیه با شور و شوق عظیمی در تورین استقبال شد؛ کارگران از فرط احساسات به گریه افتادند، زیرا می دانستند که رژیم تزاری به دست کارگران پتروگراد سرنگون شده است. اما آنان هرگز فریب شعارهای پوپولیستی و عوام‌فریبانه کرسکی و منشویک‌ها را نخوردند. در ژوئیه ۱۹۱۷، زمانی که هیئت اعزامی شورای پتروگراد به غرب، به تورین رسید، نمایندگان [Men'shevik خط خورده]، اسمیرنوف (Smirnov) و گلدنبرگ (Goldenberg) در برابر جمعیتی بیش از پنجاه هزار کارگر سخنرانی کردند. این کارگران با شعارهای پرشور «زنده باد رفیق لینن! زنده باد بلشویک‌ها!» از آنان استقبال نمودند. استقبال گرم از نام لینن، گلدنبرگ را ناخشنود ساخت؛ او نمی‌توانست درک کند که چگونه لینن در میان پرولتاریای تورین چنین جایگاهی دارد، به‌ویژه در شرایطی که قیام ژوئیه در پتروگراد سرکوب شده و مطبوعات بورژوایی ایتالیا به شدت علیه لینن و بلشویک‌ها تبلیغ می‌کردند و آنان را «راهزن»، «ماجراجو» و «جاسوس آلمان» می‌خواندند. از آغاز ورود ایتالیا به جنگ (۲۴ مه ۱۹۱۵)، پرولتاریای تورین نتوانسته بود هیچ تظاهرات توده‌ای برپا کند. گردهمایی بزرگ به افتخار شورای کارگران پتروگراد سرآغاز دوره تازه‌ای از اقدامات جمعی بود.

تنها یک ماه بعد، [Not even a mon خط خورده] کارگران تورین در ۲۳ اوت ۱۹۱۷ علیه امپریالیسم و نظامی‌گری ایتالیا دست به قیام مسلحانه زدند. آنان به مدت پنج روز در خیابان‌ها و میدان‌ها جنگیدند. بخش‌هایی از شهر به تصرف شورشیان درآمد و آنان به سلاح گرم، نارنجک و چند تیربار مجهز شدند. کارگران چند بار تلاش کردند مرکز شهر — که محل ساختمان‌های دولتی و ستاد ارتش [were خط خورده] هستند — را به اشغال درآورند؛ اما به دلیل آنکه سازمان انقلابی در دو سال جنگ به وسیله ارتجاع سرکوب شده بود، کارگران فاقد مرکز فرماندهی نظامی بودند^۳ و در نهایت زیر ضربات سربازانی که به آنان القا شده بود این قیام ساخته و پرداخته آلمان است، شکست خوردند. کارگران با ساختن سنگرها، خاکریزهای محکم و کشیدن سیم‌های خاردار برقی، پنج روز در برابر یورش ارتش و پلیس مقاومت کردند. در این سرکوب خونین بیش از

^۲ «خانه مردم» در ایتالیا، به مثابه نهادی مردمی و کارگری، نقشی مهم ایفا کرده و در برخی از مناطق سنتی سابقاً «سرخ» هنوز هم ایفا می‌کند. این نقش عمدتاً ماهیتی فرهنگی و تفریحی دارد.

^۳ به عکس روی جلد این شماره نگاه کنید؛ روزنامه کوتاه‌عمر Novaja Žizn («زندگی نو») که توسط ماکسیم گورکی و دیگر انترناسیونالیست‌های سوسیال‌دموکرات تأسیس شد، در تلاش بود تا به شکاف‌های میان منشویک‌ها و بلشویک‌ها را در میان انترناسیونالیست‌ها پل بزند.

^۴ واژه ناموجود «فوراتو» (furato) به اشتباه به دست‌نوشته گرامشی راه یافت، که سپس او در نسخه تایپ‌شده، آن را به شکل درست «فورونو» (furono به معنای «بودند») تصحیح کرد.

پانصد کارگر کشته و بیش از دوهزار تن به شدت زخمی شدند. پس از این کشتار، بسیاری از بهترین عناصر طبقه کارگر یا بازداشت شدند یا به تبعید رفتند. هرچند توان انقلابی جنبش کاهش یافت، اما روحیه انضباطی و آگاهی سوسیالیستی پرولتاریای تورین همچنان استوار باقی ماند. نمونه‌ای روشن از این پایداری را می‌توان در انتخابات پس از قیام اوت دید: بلافاصله انتخابات تازه‌ای برای هیئت‌مدیره «اتحاد تعاونی» — نهاد بزرگ طبقه کارگر که حمایت یک‌چهارم جمعیت تورین را با خود داشت — برگزار شد. این اتحاد که از پیوستن «تعاونی راه‌آهن» و «انجمن عمومی کارگران [انجمن فراگیر رفاهی]» پدید آمده بود، سال‌ها زیر نفوذ حزب سوسیالیست قرار داشت؛ اما در آن زمان این بخش تنها می‌توانست فعالیت‌های محدود و مخفیانه داشته باشد و دیگر قادر به برقراری ارتباط گسترده با توده‌ها نبود. سرمایه اصلی آن از سهام کارگران راه‌آهن تشکیل می‌شد و بخش زیادی [great خط خورده. در غیر این صورت باید آن را به بخش اعظم ترجمه می کردیم] از این سهام به کارکنان دفتری راه‌آهن و خانواده‌هایشان تعلق داشت. ارزش واقعی هر سهم طی سال‌ها از ۵۰ لیر به ۷۰۰ لیر افزایش یافته بود. با وجود این، حزب توانسته بود سهام‌داران را متقاعد کند که تعاونی نباید وسیله سودجویی فردی باشد، بلکه باید ابزاری برای مبارزه طبقاتی انقلابی باقی بماند؛ از این رو سهام‌داران به دریافت بهره‌ای اندک (۳/۵ درصد بر پایه ارزش اسمی ۵۰ لیر و نه ۷۰۰ لیر) رضایت دادند. پس از قیام، کمیته‌ای از اصلاح‌طلبان کارگری با کمک پلیس و مطبوعات بورژوازی کوشیدند کنترل تعاونی را از دست انقلابیون سوسیالیست خارج کنند و وعده دادند سود کلان سهام یعنی تفاوت میان ارزش واقعی و ارزش اسمی هر سهم (۶۵۰ لیر) و امتیازات اقتصادی را به سهام‌داران بازگردانند. همچنین به آنها قول داده شد که تعاونی در توزیع کالاها به سهام‌داران اولویت بدهد. تمام اشکال تبلیغات از سوی خائنان اصلاح‌طلب و روزنامه‌های بورژوا به کار گرفته شد تا این تعاونی کارگری را به مؤسسه‌ای مالی خرده‌بورژوازی تبدیل کنند. طبقه‌ی کارگر تحت تعقیب، صدای بخش سوسیالیست به وسیله‌ی سانسور خاموش و کمبود مواد غذایی رنج‌های بزرگی ایجاد می‌کرد؛ اما علی‌رغم فشارها، بیشتر کارگران بار دیگر به حزب سوسیالیست که حتی ذره‌ای از برنامه‌ی همکاری کارگری برای تأمین ابزار مبارزه‌ی طبقاتی کوتاه نیامده بود رأی دادند و تعاونی را در مسیر انقلابی نگه داشتند. در تعاونی راه‌آهن، با آنکه [there were خط خورده] بسیاری از رأی‌دهندگان از کارکنان دفتری بودند که احتمال می‌رفت پس از قیام مسلحانه عقب‌نشینی کنند، از میان ۸۰۰ رأی‌دهنده، ۷۰۰ رأی به فهرست حزب تعلق گرفت.

پس از برقراری آتش‌بس در جنگ امپریالیستی، کنش پرولتاریا با نیرویی تازه و پرشور از سر گرفته شد. با این حال، پرولتاریای تورین به درستی درک می‌کرد که دوره‌ای تاریخی که جنگ امپریالیستی آغازگر آن بود، اساساً با دوران پیش از جنگ تفاوت دارد؛ آنها می‌فهمیدند که «انترناسیونال سوم»، سازمان جهانی پرولتاریا برای جنگ داخلی، تسخیر قدرت سیاسی، برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و بنیان‌گذاری نظامی نوین در روابط تولید و مناسبات اجتماعی ناشی از آن است. در مجامع کارگری، بحث‌های گسترده‌ای حول مسائل انقلاب، اقتصاد و سیاست در جریان بود. نیروهای پیش‌تاز کارگری کمونیست، حول یک نشریه هفتگی فرهنگی-کمونیستی با نام «L'Ordine Nuovo» (نظم نو) سازمان یافتند. هدف از مجادلاتی که در صفحات این هفته‌نامه صورت

می‌گرفت، ایجاد سازمانی انقلابی و توده‌ای بود؛ سازمانی برای جلب اتحادیه‌های کارگری به سوی کمونیسم و ارتقای مبارزهٔ صنعتی از سطح مطالعاتی چون بهبود دستمزد و کاهش ساعات کار، به سطح مبارزه‌ای انقلابی برای کنترل تولید و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا. شعار محوری این جنبش، شوراهای کارخانه بود.

در کارخانه‌های تورین، کمیته‌های کوچک کارگری وجود داشت که گرچه از سوی سرمایه‌داران به رسمیت شناخته می‌شدند، اما برخی از آنها همچون قبل مبارزه علیه بوروکراسی اتحادیه‌ها و روحیهٔ قانون‌گرایی و اصلاح‌طلبی رهبران اتحادیه را آغاز کرده بودند. با این حال، بخش عمده‌ای از این کمیته‌ها در واقع زادهٔ دفاتر اتحادیه‌ها بودند؛ اعضای آنان را دفاتر اتحادیه به مجامع کارخانه پیشنهاد می‌دادند و معمولاً از میان کارگران فرصت‌طلب و **ماهر** انتخاب می‌شدند تا هرگز برای سرمایه‌داران «مشکل‌ساز» نشوند و هر جنبش توده‌ای را در نطفه خفه کنند. تبلیغاتی که کارگران پیرو **L'Ordine Nuovo** پیش می‌بردند، بر تغییر بنیادین این کمیته‌ها^۵ متمرکز بود: اینکه نمایندگان نه از بوروکراسی اتحادیه بلکه **مستقیماً** از دل توده‌ها برگزیده شوند، وظیفه‌ی کنترل تولید، آماده‌سازی نظامی و آموزش سیاسی-اقتصادی کارگران را به‌دست گیرند، و دیگر به‌عنوان «سگ‌های نگهبان» سرمایه‌داران برای مهار شورش‌های توده‌ای علیه انضباط سرمایه‌داری در کارخانه‌ها عمل نکنند.

تبلیغات برای شوراهای کارخانه با استقبال عظیم توده‌ها روبه‌رو شد. در کمتر از شش ماه، شوراهای کارگری در تمام کارخانه‌های مهندسی شکل گرفتند؛ کمونیست‌ها شورای اتحادیه‌ی مهندسی [**local خط خورده**] را به دست گرفتند و [**the majori خط خورده**] ایده‌ی شوراهای کارخانه و کنترل تولید در کنگره‌ی اتحادیه‌های کارگری اکثریت را کسب کرد. سازماندهی شوراهای کارخانه بر اصولی روشن استوار بود: در هر کارخانه باید نهادی پدید آید که بر پایه‌ی نمایندگی مستقیم — نه بوروکراسی — بنا شده باشد؛ نهادی که تجسم قدرت پرولتاریا باشد، علیه سرمایه‌داری بجنگد، کنترل تولید را اعمال کند و کل طبقه‌ی کارگر را به مبارزه‌ی انقلابی برای دولت کارگری برقراری بکشانند. [**Every خط خورده**] شوراهای کارخانه بر اصل صنعتی [و نه حرفه‌ای] استوار بودند، تا کارگران تصویری واقعی از جامعه‌ی آینده‌ی کمونیستی بیابند: جامعه‌ای بی‌طبقه که از طریق دیکتاتوری پرولتاریا تحقق می‌یابد و روابط میان انسان‌ها تنها روابط فنی تولید است، نه روابط قدرت سازمان‌یافته در قالب دولت. توده‌ی کارگر باید عظمت و زیبایی آرمانی را که برای آن می‌جنگد و جانفشانی می‌کند درک کند و ضرورت مراحل گام‌به‌گام این مسیر را بفهمد، باید ضرورت دیکتاتوری و انضباط انقلابی را دریابد. هر کارخانه به بخش‌هایی تقسیم می‌شد و هر بخش شامل تیم‌های کاری بود. هر تیم نماینده‌ی

^۵ در این قسمت از دست‌نوشته، گرامشی از «این» مفرد (questo) و «کمیته‌ها»ی جمع (Comitati) استفاده می‌کند، در حالی که چند سطر قبل از «برخی از آنها» (qualcuno dei quali) با ارجاع جمع) بهره برده بود. نسخهٔ بعدی که در «L'Ordine Nuovo» منتشر شد، شکل جمع را به کار برده است.

برمی‌گزید با مأموریتی الزام‌آور و قابل عزل. اتحادیه‌ی نمایندگان کل کارخانه، شورای کارخانه را تشکیل می‌داد و از میان خود کمیته‌ی اجرایی برمی‌گزید. اتحادیه‌ی [Committees خط خورده] دبیران سیاسی کمیته‌های اجرایی بدنه‌ی مرکزی شوراهای کارخانه را شکل می‌داد، که در سطح شهر کمیته‌ی ویژه‌ی خود را داشت تا تبلیغات را سازمان دهد، برنامه‌های کاری را تنظیم کند، طرح‌ها و پیشنهادهای هر کارخانه و هر کارگر را بررسی کند و کل جنبش را هدایت نماید. وظایف نمایندگان کارخانه، علاوه بر امور صنعتی مانند نظارت بر کارکنان فنی، اخراج قهری دشمنان آشکار طبقه‌ی کارگر، مبارزه با مدیریت برای کسب آزادی داخلی، مطالعه‌ی ظرفیت تولید کارخانه و ارزش سرمایه‌ی به‌کاررفته، شامل موارد دیگری نیز بود: [as orga خط خورده] آماده‌سازی نظامی طبقه‌ی کارگر، تهیه‌ی آمار دقیق از عناصر توانمند و مورد اعتماد برای مبارزه‌ی شورشی، و سازماندهی کادرها و نیروها برای اقدام مسلحانه‌ی توده‌ها.

قدرت شوراهای کارخانه به‌سرعت افزایش یافت. این شکل سازمان‌دهی شورایی با استقبال توده‌ها مواجه شد؛ آنان به‌طور قاطع گرداگرد کمیته‌های اجرایی متحد شدند و با نیرویی عظیم از آنها در مبارزه علیه استبداد سرمایه‌داری پشتیبانی کردند. شوراها و کمیته‌ها — که سرمایه‌داران و بوروکراسی اتحادیه به رسمیت نمی‌شناختند — موفقیت‌های چشمگیری به دست آوردند: جاسوسان و تحریک‌کنندگان سرمایه‌داران را اخراج کردند، با کارمندان دفتری و رؤسای فنی ارتباط برقرار کردند تا اطلاعات مالی و صنعتی شرکت‌ها را به دست آورند، عملاً مدیریت انضباطی کارخانه‌ها را در دست گرفتند و به توده‌های تحت استثمار و فشار آموختند که «خودمدیریتی کارگری در تولید» به چه [what it خط خورده] معناست.

فعالیت کمیته‌ها و شوراها در اعتصاب‌های کارخانه‌ای به اوج رسید. این اعتصاب‌ها دیگر شتابزده و بی‌نظم نبودند [their خط خورده]، بلکه به کنش‌های آگاهانه‌ی توده‌ی انقلابی بدل شدند. دستگاه شورا و کمیته‌ی اجرایی چنان کارآمد بود که می‌توانست [in five minutes خط خورده] در عرض پنج دقیقه، کار ۱۶ هزار کارگر مجتمع فیات را، در ۴۲ کارگاه بزرگ، متوقف کند. در ۳ دسامبر ۱۹۱۹، شوراها توانایی خود را در رهبری توده‌ها نشان دادند: به فرمان بخش سوسیالیست، که کل دستگاه جنبش توده‌ای کارگری را در دست داشت، کارخانه‌ها در عرض یک ساعت بسیج شدند؛ هر کارخانه گردان پرولتری خود را داشت و ۱۲۰ هزار کارگر به مرکز شهر سرازیر شدند و اوباش ملی‌گرا و میلیتاریست را از خیابان‌ها و میدان‌ها بیرون راندند.

این جنبش توده‌ای کارگری برای ایجاد شوراهای کارخانه، عمدتاً توسط کمونیست‌های بخش سوسیالیست و اتحادیه‌های کارگری رهبری می‌شد. اگرچه آنارشئیست‌ها نیز در رشد آن نقش داشتند، اما سهم‌شان عمدتاً محدود به جایگزینی اصطلاحات مبهم خود به جای زبان روشن و صریح کمونیست‌های مارکسیست بود.

موانع سختی از سوی رهبران محلی و مرکزی اتحادیه‌ها، کمیته‌ی اجرایی حزب سوسیالیست و روزنامه‌ی «آوانتی!» بر سر راه این جنبش ایجاد شد. استدلال این مخالفان بر لزوم تفاوت قائل شدن میان «شورای کارخانه» و «شوراهای نوع شوروی» استوار بود و با ذهنیتی کتابی و بوروکراتیک پیش می‌رفت. در پشت عبارات پرطمطراق‌شان، دغدغه‌ی اصلی تنها جلوگیری از هرگونه مداخله‌ی مستقیم توده‌ها در مبارزه‌ی انقلابی و حفظ کنترل کارگران در دستان رهبران اتحادیه بود. رفقای کمیته‌ی اجرایی حزب نیز تمایلی نداشتند که هیچ ابتکار عمل محلی‌ای پیش از تدوین یک برنامه‌ی واحد برای کل کشور شکل گیرد؛ برنامه‌ای که نه آماده بود و نه حتی درباره‌ی آن مطالعه‌ای صورت گرفته بود. در مقابل، در تورین، طرح و روش انتخابات نمایندگان کارخانه و برنامه‌ی عمل، مستقیماً توسط خود کارگران و در مجامع کارخانه‌ای و تحت رهبری عناصر کمونیست تدوین شد. کمیته‌ی مرکزی صرفاً آنچه را که کارگران در قالب قطعنامه‌ها و پیشنهادهای مفصل خود ارائه کرده بودند، بسط داد. از این رو، می‌توان این جنبش را کاملاً خودجوش و برآمده از بطن طبقه‌ی کارگر دانست و سندی بر سطح بالای آگاهی پرولتاریای صنعتی تورین به شمار آورد. با این حال، جنبش تورین نتوانست به خارج از این استان گسترش یابد. تمام دستگاه بوروکراسی اتحادیه‌ها بسیج شد تا توده‌های کارگری دیگر نقاط ایتالیا را از پیروی از این الگو بازدارد. جنبش تورین مورد هجمه و تمسخر قرار گرفت و از هر سو با آن مبارزه شد. این موضع خصمانه‌ی [the bureau of خط خورده] نهادهای مرکزی اتحادیه‌ها و حزب سوسیالیست، سرمایه‌داران را جسارت بخشید تا تمام‌عیار علیه پرولتاریای تورین و شوراهای کارخانه وارد عمل شوند. نقشه‌ی حمله در کنفرانس سرمایه‌داران در میلان، در ماه مارس، ترسیم شد. ارگان‌های مرکزی پرولتری حتی به این هشدار نیز بی‌اعتنا ماندند، [the union officials revealed their nature as traitors, depending on and foretasting the struggle that the workers خورده] و پرولتاریای تورین را تنها گذاشتند تا به تنهایی علیه کل سرمایه‌داری ملی و قدرت دولتی بجنگد. تورین با ارتشی از پلیس (متشکل از حدود ۲۰ هزار نفر) به اشغال درآمد. تیپ‌های کامل از جبهه‌ی آتش‌بس به اطراف شهر گسیل شدند و توپخانه و مسلسل‌ها در نقاط استراتژیک شهر مستقر گردیدند. پس از استقرار این دستگاه عظیم نظامی، سرمایه‌داران به تحریک کارگران پرداختند. کارگران اگرچه می‌کوشیدند در چنین شرایط وخیمی از درگیری اجتناب کنند، اما هنگامی که روشن شد گریزی از نبرد نیست، با شجاعتی مثال‌زدنی و عزمی راسخ، تا پای جان جنگیدند. اعتصاب برای کارگران صنایع مهندسی یک ماه و برای کل پرولتاریا ده روز به طول انجامید. حیات صنعتی و شبکه حمل‌ونقل شهر و استان به کلی از کار ایستاد. اما پرولتاریای تورین از بقیه ایتالیا جدا افتاده بود: نهادهای مرکزی پرولتری هیچ بیانیه‌ای خطاب به توده‌های مردم ایتالیا صادر نکردند تا معنای این نبرد را توضیح دهند؛ روزنامه «آوانتی!» [there was no خط خورده] از انتشار بیانیه شاخه تورین حزب سرباز زد؛ و رفقای تورینی که برای توضیح ماجرا به خارج از شهر رفته بودند، به عنوان آنارشیزست، ماجراجو و تندرو معرفی شدند. درست در همین زمان، قرار بود شورای ملی حزب در تورین تشکیل جلسه دهد؛ اما این جلسه به میلان منتقل شد، زیرا شهری که درگیر یک اعتصاب عمومی بود، برای «بحث‌های سوسیالیستی» مناسب تشخیص داده نشد! در آن لحظه، ضعف رهبران حزب به طور کامل عیان شد: در تورین، توده کارگران به سختی می‌جنگیدند تا شوراهای کارخانه — که نخستین نهادهای نمایندگی قدرت پرولتری بودند — را حفظ کنند؛ حال آنکه در میلان، رهبران حزب مشغول بحث درباره چگونگی تشکیل شوراهای

شکل قدرت سیاسی پس از پیروزی پرولتاریا بودند. آنها پرولتاریای تورین را در انزوای کامل رها کرده و اجازه دادند تمام نیروهای بورژوازی برای نابودی قدرتی که به دست آمده بود، بسیج شوند. توده‌های پرولتاریای ایتالیا به طور خودجوش به یاری تورین شتافتند: کارگران راه‌آهن در پیزا، لیورنو و فلورانس [refused point-blank to transport other troops f خورده] از انتقال نیروهای نظامی به تورین خودداری کردند؛ کارگران بنادر و ملوانان در لیورنو و جنوا حمل‌ونقل دریایی را مختل کردند؛ و در چندین شهر، طبقه کارگر بر خلاف دستور اتحادیه‌ها دست به اعتصاب زد.

به این ترتیب، اعتصاب عمومی در تورین و پیمونت توسط بوروکراسی اتحادیه و حزب به شکست کشانده شد. اما این تجربه اهمیت آموزشی بزرگی برای کل پرولتاریای ایتالیا داشت: نشان داد که می‌توان در عمل کارگران را با دهقانان متحد کرد و آنان را به سطح مبارزه‌ی کارگران ارتقا و نشان داد که ضرورت فوری تشدید مبارزه علیه دستگاه بوروکراتیک اتحادیه وجود دارد، دستگاهی که به سکوی پارلمانتاریست‌ها و اصلاح‌طلبان بدل شده است تا کنش‌های فرصت‌طلبانه‌ی خود را برای خفه کردن و نابودسازی هر جنبش توده‌ای به پیش ببرند.